یادداشت روز

غلط زیادیِ دزدان دریایی!

۱- دو روز قبل (پنجشنبه ۱۳ آذرماه)، شورای همکاری خلیج‌فارس با صدور بیانیه‌ای بار دیگر ادعای مضحک مالکیت امارات بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و تنب کوچک و بوموسی را تکرار کرد. این‌بار، شیوخ دست‌نشانده عضو این شورا، در چند سطر پایانی بیانیه‌ای که به آنها دیکته شده بود، جمهوری اسلامی ایران را تهدید(!) کرده و آورده‌اند: «این آخرین هشدار ماست، ایران باید فوراً جزایر سه‌گانه یعنی تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی را که به زور اشغال کرده است به امارات بازگرداند یا در موردش مذاکره کند، در غیر این‌صورت از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری این جزایر را پس خواهیم گرفت»!

تمامی اسنادی که رسماً در مجامع بین‌المللی به ثبت رسیده است و به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد با صراحت از حاکمیت بلامنازع ایران بر جزایر سه‌گانه یاد شده حکایت می‌کنند ولی قبل از آن اشاره‌ای هرچند گذرا بر ماهیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس ضروری به نظر می‌رسد. بخوانید!

۲- امارات متحده عربی، که داعیه کشور بودن دارد، تا اواسط سده ۱۹ میلادی منطقه‌ای از جنوب خلیج‌فارس که از قطر امروزی تا سواحل عمان را در بر می‌گرفته (یعنی امارات متحده عربی امروز) به «ساحل دزدان دریایی- ساحل‌القرصان» شهرت داشته است و در سال ۱۸۲۰ با حمله نیروهای هند و انگلیس (کمپانی هند شرقی) پیمان صلحی بین آنها امضاء شد و از آن پس منطقه‌ای که امروزه با عنوان «امارات متحده عربی» شناخته می‌شود به «ساحل متصالحه- ساحل آشتی- Trucial Coast» تغییر نام پیدا کرد! و امروزه نوادگان همان دزدان دریایی که از سوی دولت وقت انگلیس شهرنشین شده‌اند، داعیه حاکمیت بر جزایر سه‌گانه ایران را دارند!

۳- درباره تشکیل حکومت دست‌نشانده موسوم به امارات گفتنی است که منطقه مورد اشاره (و ابوظبی که مرکز آن است) تا سال ۱۷۶۱ میلادی سرزمینی غیرمسکونی بود و به علت وجود آب شیرین در آن منطقه، گله‌هایی از آهو، بزکوهی، گرگ و... از آب‌های شیرین آن منطقه استفاده می‌کردند و چون شمار گله‌های آهو و بزکوهی بیشتر بود، دزدان دریایی که هر از چندگاه به منطقه تردد می‌کردند، نام «ظباء» به معنی آهو، را بر آن نهاده بودند. در سال ۱۷۶۱ قبیله «بنی‌یاس» که از یافتن آب شیرین و قابل شرب باخبر شده بودند، در منطقه ساکن می‌شوند و نام منطقه را به خاطر وجود آهو «ظباء» ابوظبی می‌گذارند.

۴- در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، همراهی بحرین با سایر کشورهای عضو حساب جداگانه دیگری نیز دارد، زیرا بحرین بخشی از خاک ایران بوده است که در جریان یک زد و بند غیرقانونی میان شاه معدوم و دولت‌های آمریکا و انگلیس از ایران جدا شده است و امروزه اصلی‌ترین خواسته مردم بحرین بازگشت این استان جدا شده از ایران به سرزمین اصلی و مادری آن، یعنی ایران اسلامی است و بدیهی است که این حق مسلم ایران و مردم استان جدا شده آن نباید و نمی‌تواند نادیده گرفته شود. گفتنی است که در مذاکرات وطن‌فروشانه محمدرضا با دولت‌های آمریکا و انگلیس آمده بود که جدایی بحرین از ایران و یا استمرار مالکیت ایران با پاسخ آری یا نه در میان مردم بحرین به همه‌پرسی (رفراندوم) گذارده شود. این همه‌پرسی از مردم بحرین که خواستار تابعیت ایران بودند صورت نپذیرفت بلکه به جای همه‌پرسی از مردم بحرین این اقدام با ظاهرسازی از سران چند قبیله صورت گرفت و نهایتاً با تصمیم انگلیس و آمریکا، حاکمیت بحرین به آل‌خلیفه که پیش از آن در بیابان‌های نجد به راهزنی مشغول بودند واگذار شد.

۵- اکنون وقت آن است که به چند سند رسمی و ثبت‌شده در مراکز بین‌المللی اشاره کنیم. اسنادی که پیش از این نیز در یادداشتی با عنوان «آواز کوچه باغی»! به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده بودیم. بخوانید!

الف- در حقوق بین‌الملل و قوانین مربوط به مرزها و سرزمین‌ها، حاکمیت یک کشور بر یک منطقه از چند راه به اثبات می‌رسد. از جمله «مالکیت تاریخی»، حاکمیت موثر - یعنی افراشته بودن پرچم، نصب حکام، حضور نیروی نظامی و...- که تمامی این ملاک‌ها و معیارهای حقوقی از حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه حکایت دارند.

ب- در سال ۱۸۳۰ کاپیتان جی.بی.بروکس GB BRUCKS از سوی کمپانی هند شرقی -وابسته به دولت استعماری انگلیس- نقشه‌ای رنگی از خلیج‌فارس تهیه می‌کند. در این نقشه رنگی که نسخه‌هایی از آن در وزارت خارجه انگلیس و مخزن اسناد سازمان ملل متحد نگهداری می‌شود، ۳ جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به رنگ خاک ایران ترسیم شده است. کاپیتان بروکس نزدیک به ۱۲ سال برای تهیه این نقشه در منطقه خلیج‌فارس بود.

ج- در سال ۱۸۳۵ «ساموئل هنل» از سوی دولت انگلیس مامور تعیین حدود کشورها در خلیج‌فارس می‌شود. هنل در نقشه خود یک خط فرضی در آب‌های خلیج‌فارس ترسیم می‌کند که جزایر سه‌گانه در قسمت فوقانی -شمالی- این خط فرضی قرار داشته و متعلق به ایران دانسته شده است.

د- در ژانویه سال بعد - ۱۸۳۶- سرگرد «موریسن» جانشین ساموئل هنل، ماموریت او را پی می‌گیرد و پس از مذاکره با شیوخ خلیج‌فارس نقشه‌ای که به تایید آنها رسیده بود را تهیه می‌کند. در این نقشه، جزایر سه‌گانه در عمق بیشتری از قلمرو ایران قرار گرفته است.

هـ- در سال ۱۸۸۱ نیروی دریایی انگلیس بار دیگر نقشه‌ای از منطقه خلیج‌فارس تهیه می‌کند که در آن جزایر سه‌گانه و خاک ایران، رنگ مشترکی دارند.

و- در سال ۱۸۸۶ دایره اطلاعات دولت انگلیس نقشه ایران را با رنگ یکسان جزایر و خاک ایران تهیه کرده و در ۱۲ ژوئن همان سال این نقشه از سوی وزیر مختار انگلیس در تهران به ناصرالدین شاه تحویل می‌شود.

ز- در سال ۱۹۰۸، دولت ایران امتیاز استخراج خاک سرخ - سنگ آهن- ابوموسی را به ونگهاوس آلمانی می‌دهد که دولت انگلیس به دلیل تیرگی روابط خود با آلمان، به ایران اعتراض می‌کند، دولت انگلیس در اعتراض خود خواهان کسب امتیاز استخراج خاک سرخ برای شرکت‌های انگلیسی است یعنی تاکید بر حاکمیت ایران...

و دهها سند معتبر دیگر که شرح تمامی آنها مصداق «مثنوی هفتاد من کاغذ» است...

۶- و بالاخره به قول سعدی «گرچه تیر از کمان همی گذرد... از کمان‌دار بیند اهلِ خرد». توضیح آن که حاکمان چند [باصطلاح] کشور یاد شده، بارها نشان داده‌اند که از خود کمترین اختیاری ندارند و فقط نیم‌نگاهی به مواضع مشترک آنها در رخدادها و حوادث منطقه به وضوح نشان می‌دهد که هیچ‌گاه (تاکید می‌شود که هیچ‌گاه) مواضعی ناهمخوان با خواسته‌های رسماً اعلام شده آمریکا و اسرائیل نداشته‌اند. از این روی بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس را که در مقایسه با بیانیه‌های قبلی وقیحانه‌تر است، نمی‌توان با شکست آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه اخیر بی‌ارتباط دانست. مگر تا به حال دیده شده است که «گاوهای شیرده» از خودشان اختیاری داشته باشند؟!

حسین شریعتمداری

ولایتی:

بیانیه‌های سیاسی واقعیت مالکیت جزایر ایرانی را تغییر نمی‌دهد

مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل ادعاهای مطرح‌شده علیه تمامیت ارضی ایران را محکوم کرد و گفت: جزایر سه‌گانه و میدان نفتی آرش، جزء لاینفک سرزمین ایران بوده، هست و خواهد بود.

علی اکبر ولایتی مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل در مصاحبه‌ای به بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس که در آن ادعاهایی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی مطرح شده بود واکنش نشان داد.

علی‌اکبر ولایتی گفت: بیانیه اخیر نشست شورای همکاری خلیج‌فارس که حاوی ادعاهای تکراری و بی‌اساس درباره جزایر سه‌گانه ایرانی و همچنین طرح مالکیت واهی بر میدان نفتی آرش است، بار دیگر نشان داد برخی دولت‌ها به جای تعامل منطقی و سازنده، مسیر تنش‌آفرینی و دنباله‌روی از سیاست‌های بیگانگان را برگزیده‌اند.

وی افزود: جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و نیز میدان نفتی آرش، جزئی تخطی‌ناپذیر از قلمرو تاریخی جمهوری اسلامی ایران بوده و هرگونه ادعا درباره مالکیت آنها کذب و فاقد هرگونه ارزش حقوقی است.

ولایتی تاکید کرد: با این حال، لازم است نکته‌ای را که تاکنون از بیان علنی آن خودداری کرده بودیم، با صراحت اعلام کنیم؛ امارات متحده عربی سال‌هاست که واقعیت‌های تأسف‌بار سیاست خارجی خود را از افکار عمومی پنهان کرده است. امروز که چهره واقعی سیاست‌های ماجراجویانه آنها آشکار شده، نمی‌توان در برابر این رفتارهای مخرب سکوت کرد.

وی خاطرنشان کرد: از دولت بی‌مسئولیت و مداخله‌گر امارات باید پرسید، شما در یمن چه می‌کردید؟ چرا جزیره «سقطرا» را اشغال کردید؟ چگونه دست به انتقال گروهی از مردم بی‌دفاع سودان زده و آنان را به‌عنوان مزدور به جنگ یمن فرستادید؟ خون ده‌ها هزار مسلمان یمنی به‌واسطه سیاست‌های توسعه‌طلبانه و جاه‌طلبانه شما بر زمین ریخته شد و پس از مقاومت قهرمانانه انصارالله، با شکست کامل مواجه شدید.

ولایتی مطرح کرد: آیا پاسخ می‌دهید که با همکاری چه کسانی، از جمله استعمار پیر انگلیس، نقشی اساسی در شکل‌گیری گروه‌های شورشی در سودان ایفا کردید؟ اقداماتی که پیامد آن، کشته شدن هزاران انسان بی‌گناه در این کشور بود و عملاً مسیر دخالت‌گری بی‌وقفه شما را در جهان اسلام نمایان کرد.

مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل یادآور شد: آنچه بیان شد تنها بخشی از اقدامات خلاف اصول اسلامی و تلاش برای پیشبرد اهداف قدرت‌های استعماری، به‌ویژه آمریکا و انگلیس است. این پرسش همچنان باقی است که امارات از سودان چه می‌خواهد و چرا در نگاه بسیاری از تحلیلگران، رفتارهای شما شائبه تلاش برای ایجاد یک «امپراطوری فرامرزی» را ایجاد کرده است؛ ادعایی که اگر به آن باور نداریم، اما بی‌شک این سیاست‌های غلط موجب شکل‌گیری چنین گمانه‌زنی‌هایی شده و شما نیز پاسخی روشن به آن نمی‌دهید.

وی تاکید کرد: شورای همکاری خلیج‌فارس نیز باید بداند که همراهی با این ادعاهای واهی، نه‌تنها کوچک‌ترین کمکی به امنیت منطقه نمی‌کند، بلکه موجب رنجش و کدورت میان مردم ایران و این شورا خواهد شد. شایسته است اعضای شورا به‌جای تکرار مواضع نادرست و خوشایند دشمنان امت اسلامی، به مسائل واقعی جهان اسلام بپردازند و از نماینده امارات بپرسند که در یمن و سودان چه کرده و چه می‌کند. به گزارش مهر، ولایتی افزود: جمهوری اسلامی ایران همواره بر گفت‌وگو، حسن همجواری و همکاری واقعی منطقه‌ای تأکید کرده است؛ اما به‌صراحت اعلام می‌کند که در برابر هرگونه تعرض به تمامیت ارضی، تاریخ و حقوق مسلم ملت ایران با قاطعیت ایستادگی خواهد کرد.

ولایتی در پایان گفت: جزایر سه‌گانه و میدان نفتی آرش، جز لاینفک سرزمین ایران بوده، هست و خواهد بود و این حقیقت با هیچ بیانیه سیاسی تغییر نمی‌کند.

«ترکی الفیصل» رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان:

تهدید واقعی منطقه اسرائیل است نه ایران

رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان در نشست بین‌المللی ابوظبی تأکید کرد که برخلاف تصور رایج، این رژیم صهیونیستی است که ثبات منطقه را تهدید می‌کند نه ایران.

ترکی الفیصل شاهزاده سعودی و رئیس پیشین سازمان اطلاعات این کشور، در سخنرانی خود در اجلاس «خاورمیانه و آفریقا» مؤسسه میلکن تصریح کرد «از نظر من، بی‌شک این اسرائیل است که دردسرساز است و باید توسط آمریکا مهار شود.»

او به حملات تجاوزات پی‌درپی رژیم صهیونیستی به لبنان، غزه و همچنین سوریه اشاره کرد و گفت: این اقدامات نشان می‌دهد این رژیم، «احساس قدرت زیادی دارد و مهار نشده است.»

این شاهزاده سعودی ادامه داد؛ «وقتی اسرائیل تقریباً هر روز سوریه را بمباران می‌کند، حملات خود علیه فلسطینی‌ها در غزه یا کرانه باختری را ادامه می‌دهد و حتی در لبنان، جایی‌که ظاهرا باید آتش‌بس برقرار باشد، دست به حمله می‌زند، چگونه می‌توان آن را پیام‌آور صلح در منطقه دانست؟»

ترکی الفیصل همچنین به حملات چند ماه اخیر رژیم صهیونیستی به هیئت حماس در قطر اشاره کرد و گفت که این حمله در حقیقت یک «هشدار جدی» بود که نشان داد کشورهای حوزه خلیج‌فارس باید برای دفاع از خود یکپارچه عمل کنند و «همکاری دفاعی در شورای همکاری (کشورهای حوزه خلیج‌فارس) مسئله تازه‌ای نیست».

اظهارات او به بیانیه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس اشاره دارد که اعلام کرده‌اند که در حال آماده‌سازی طرح ایجاد سامانه مشترک پدافند هوائی هستند.

ترکی الفیصل در پاسخ به سؤالی در خصوص برنامه عربستان سعودی در خصوص ساخت سلاح اتمی گفت؛ آشوب و ناامنی منطقه ایجاب می‌کند موضوع تسلیحات اتمی به‌صورت همه‌جانبه بررسی شود.

وی ادامه داد «در این منطقه همین حالا هم یک کشور دارای سلاح هسته‌ای داریم و آن اسرائیل است اما هیچ‌کس در مورد اسرائیل حرفی نمی‌زند. بنابراین باید هوشیار بمانیم و برای رسیدن به بهترین حالت یعنی ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی تلاش کنیم.»

به گزارش فارس، این شاهزاده سعودی در بخش پایانی اظهارات خود هشدار داد که نادیده گرفتن مسئله فلسطین و عدم واکنش جدی جهان به اقدامات رژیم صهیونیستی می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش جریان‌های افراطی تازه شود.

ایروانی:

اقدامات قهرآمیز یکجانبه در حکم جنایات علیه بشریت است

سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان ملل در نیویورک در نشست مجمع عمومی اقدامات قهرآمیز یکجانبه را در حکم جنایات علیه بشریت خواند و از دبیرکل خواست که مشاور ویژه در امور اقدامات قهرآمیز یکجانبه منصوب کند.

امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک شامگاه پنجشنبه ۱۳ آذرماه در نشست مجمع عمومی به مناسبت روز بین‌المللی مبارزه با اقدامات قهرآمیز یکجانبه سخنرانی کرد.

وی با بیان اینکه اقدامات قهرآمیز یکجانبه از جمله چالش‌های هولناکی هستند که ناقض آشکار اصول اساسی حقوق بین‌الملل و اصول مندرج در منشور ملل متحد هستند، گفت: این اقدامات غیرقانونی همچنین ناقض حقوق بشر از جمله حق توسعه بوده و تحقق آنها را مختل می‌سازد و در نتیجه، بهره‌مندی جامع از حقوق بشر را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سفیر ایران بیان کرد: مجمع عمومی سازمان ملل متحد همواره نسبت به آثار منفی اقدامات قهرآمیز یکجانبه بر روابط بین‌الملل، تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌ها ابراز نگرانی کرده، این‌گونه اقدامات غیرقانونی را مردود شمرده و نسبت به آنها اعتراض کرده است.

ایروانی اضافه کرد: تشدید بی‌سابقه و نگران‌کننده دامنه و شدت ترویج، اعمال و اجرای چنین اقداماتی بسیاری از کشورهای مستقل را از حقوق بنیادین و سلب‌ناشدنی خود، از جمله حق توسعه، محروم کرده است.

وی گفت: این اقدامات، پیش و بیش از هر چیز، زندگی روزمره غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد و هزینه‌های انسانی سنگینی را بر کل جمعیت آسیب‌دیده از جمله زنان، کودکان و سالمندان تحمیل می‌کند.

نماینده ایران عنوان کرد: اقدامات قهرآمیز یکجانبه در حکم جنایات علیه بشریت به‌شمار می‌رود. اینها تنها بخشی از موارد نقض حقوق بین‌الملل و بخشی از تهدیدات سهمگینی هستند که اقدامات قهرآمیز یکجانبه علیه حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کنند.

به گزارش فارس، ایروانی خاطرنشان کرد. ما به تلاش‌های خود برای مقابله با این اقدامات غیرقانونی ادامه خواهیم داد.

وی گفت: از دبیرکل درخواست می‌کنیم تا نسبت به انتصاب «مشاور ویژه در امور اقدامات قهرآمیز یکجانبه» اقدام کند.

خبر ویژه

روشنگری کاشانی و برائت اجباری مدعیان اصلاحات از شیخ منحرف

مناظره اخیر یک معمم شبه اصلاح‌طلب با حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی، موجب سرشکستگی گروهک‌های تجدیدنظرطلبی شد که در پوشش نواندیشی دینی، به تحریف‌گری و ترویج خرافات و انحرافات فکری می‌پرداختند.

استدلال‌های محکم و مستند حامد کاشانی در مقابل داستان‌بافی و ذوقیات و توهمات سلیمانی اردستانی موجب شد تا حامیان و هم‌طیفان سابق سلیمانی اردستانی از وی برائت بجویند و حال آن که وی سالها مشغول حرمت‌شکنی و ترویج اباطیل علیه مقدسات اسلامی بود اما هیچ صدایی نه از خاتمی و مجمع روحانیون، گروهک موسوم به مجمع محققین(نزدیک به باند مهدی هاشمی معدوم) و دیگر مدعیان اصلاح‌طلبی برنمی‌آمد.

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم و عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه مفید قم است که در جریان فتنه ۱۳۸۸، همراه با برخی دیگر از اعضای مجمع مذکور، مدتی بازداشت شد. او همچنین سال گذشته در ستاد انتخاباتی مدعیان اصلاحات فعال بود و حتی به ملاقات با آقای پزشکیان برده شد.

پس از مناظره اخیر، سایت‌های اصلاح‌طلب جماران و رویداد ۲۴ نوشتند: «پس از اظهار نظر جنجالی سلیمانی اردستانی در یکی از شبکه‌های تلویزیونی اینترنتی و تشکیک در شهادت حضرت زهرا(س) و آزار و اذیت نسبت به ایشان پس از رحلت پیامبر اسلام، تعدادی از علما و روحانیون اعلام آمادگی کردند در مناظره‌ای به این شبهات پاسخ دهند. حامد کاشانی خطیب مشهور تهرانی اعلام کرد به شرط رعایت موازین اخلاقی و تمرکز بر موضوع آماده مناظره است. سلیمانی اردستانی اگرچه در این مناظره اظهارات خود را تکرار کرد، اما به اذعان مخاطبان و کسانی که به تماشای این برنامه نشستند او در مقابل حامد کاشانی استدلال و ادله تاریخی و تحلیلی قوی برای اثبات اظهاراتش را نداشت و صحبت‌هایش از انسجام کافی برای اقناع مخاطب برخوردار نبوده است. در مقابل به نظر می‌رسد حامد کاشانی با تسلط بر بحث‌های تاریخی توانسته دست برتر را در این مناظره داشته باشد».

گزارش رسانه‌های مذکور می‌افزاید: «سلیمانی اردستانی در بخشی از این مناظره در اثبات اظهارات پیشین خود می‌گوید که «من اصلا قبول ندارم ابوبکر مخالفان خود را کشته است. ابوبکر خلیفه پیامبر است. ابوبکر یک دانه از مخالفان خود را شکنجه نکرده و نکشته است. محال است! حامد کاشانی در این بخش مناظره مکررا می‌گوید نباید از بحث خارج شود و حدیثی در تایید اظهارات خود مبنی بر کشتن مخالفان توسط ابوبکر بیان می‌کند. کاشانی با ذکر احادیث مختلف اظهارات سلیمانی اردستانی را رد می‌کند».

ابتذال و انحراف در اظهارات سلیمانی حین مناظره چنان آشکار و غیر قابل کتمان بود که مجمع محققین و مدرسین با وجود سال‌ها سکوت و تایید ضمنی اظهارات عضو خود، این بار در واکنش به اعتراضات عمومی، در بیانیه‌ای ضمن تاکید بر احترام به آزادی بیان، اعلام کرد که آنچه از سوی سلیمانی مطرح می‌شود، موضع این مجمع نیست.

مجمع مذکور افزود: «متأسفانه در روزهای اخیر شاهد برخی اظهارنظرهای شگفت‌آور و غیرقابل قبول از سوی بعضی از استادان بوده‌ایم؛ سخنانی که نه‌تنها با مبانی فقهی ناسازگار است، بلکه نزد اکثریت قریب به اتفاق اساتید و محققان نیز نامقبول می‌نماید. طرح چنین مطالبی می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه، به‌ویژه نسل جوان در پی داشته باشد».

از سوی دیگر در حالی که مجمع روحانیون هنوز سکوت کرده، محمدعلی ابطحی از واکنش سید محمد خاتمی در یک جمع خصوصی(!) خبر داده و نوشت: «با جمعی از دوستان روحانی نواندیش خدمت آقای خاتمی جلسه داشتیم. آقای خاتمی بحث سخنان آقای سلیمانی اردستانی را پیش کشید. اعتراض داشت که چرا این مباحث را و این ادبیات را در این شرایط به کار گرفته است.

دوستان جلسه که دوستان آقای اردستانی هم بودند نیز گلایه داشتند که محتوا و ادبیات آقای اردستانی بیشتر از هر چیز به تفکر آرام نواندیشی دینی که نوپا ولی جدی است، آسیب می‌زند.

تقریبا همه دوستان هم این روزها با آقای سلیمانی در این مورد گفت‌وگو کرده بودیم. باور داشتیم مناظره در مسائل مذهبی سنت خوبی بود که متاسفانه با ادبیات موهن از یکسو و فحاشی‌های رکیک از سوی دیگر دچار مشکل شد».

در همین حال، عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت خاتمی و فعال ورشکسته فتنه ۸۸ در لندن هم در واکنش به افتضاح پدید آمده از سوی سلیمانی اردستانی نوشت: «مناظره شیخ شوخ اردستانی و شیخ منطقی حامد کاشانی را دوبار گوش کردم. به نظرم خیرخواهان به شیخ اردستانی توصیه کنند نه تنها نیازمند است دوباره منطق بخواند و روشمندی در اندیشه و سخن را بیاموزد، بلکه دگر بار تفسیر و تاریخ و حدیث و الهیئت بخواند. تا این‌همه دسته گل در مناظره به آب ندهد».

اوضاع بحرانی رژیم صهیونیستی به روایت نظرسنجی از اتباع رژیم

نتایج نظرسنجی مطالعات امنیت ملی اسرائیل نشان می‌دهد اکثریت صهیونیست‌ها (۵۹٪) معتقدند تصمیمات اتخاذ شده توسط سطوح سیاسی حکومت بر اساس ملاحظات حرفه‌ای نیست. این نظرسنجی همچنین از بحران‌ها و شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی حکایت می‌کند

طبق این نظرسنجی بین ۱۳ تا ۱۶ نوامبر ۲۰۲۵ توسط مرکز تحلیل داده‌ها در مؤسسه INSS انجام شد، کمتر از یک‌سوم مردم اسرائیل (۲۹٪) وضعیت امنیت ملی را «خوب» یا «بسیار خوب» ارزیابی می‌کنند. ۲۷ درصد دیگر امنیت ملی اسرائیل را «بد» یا «بسیار بد» و ۴۴٪ آن را «معمولی» ارزیابی می‌کنند.

شکاف‌های قابل توجهی نیز بین رأی دهندگان ائتلاف نتانیاهو و مخالف دیده می‌شود. رأی دهندگان ائتلاف معمولاً وضعیت امنیت ملی را مثبت ارزیابی می‌کنند (۴۴٪ «خوب» یا «بسیار خوب» و تنها ۱۳٪ «بد» یا «بسیار بد»)، در حالی که در میان رأی دهندگان مخالف، یکسوم (۳۳٪) وضعیت را «بد» و تنها ۱۸٪ آن را «خوب» می‌دانند.

نگرانی‌ها در مورد تهدیدات امنیتی خارجی بسیار زیاد است. اکثریت صهیونیست‌ها (۷۲٪) گزارش داده‌اند که نسبت به تهدیدات امنیتی خارجی علیه اسرائیل بسیار یا نسبتاً نگران هستند، در حالی که تنها ۲۷٪ اصلاً نگران نیستند یا تا حدی بی‌تفاوت هستند. نگرانی به ویژه در میان رأی دهندگان مخالف دولت (۸۴٪) بالا است، در حالی که این رقم در میان رأی دهندگان ائتلاف ۶۱٪ است.

نگرانی درباره تنش‌های درونی و اجتماعی حتی بیشتر است. اکثریت (۸۳٪) نگران تنش‌های داخلی و اجتماعی در اسرائیل هستند، در حالی که ۱۵٪ نگران نیستند. اکثریت، اسرائیل را همزمان با تهدیدات امنیتی خارجی قابل توجه و بحران داخلی ادامه‌دار می‌بینند. ۹۰٪ رأی دهندگان مخالف نگران تنش‌های اجتماعی هستند، در حالی که این رقم برای رأی دهندگان ائتلاف ۷۸٪ است؛ با این حال، در هر دو اردوگاه، این اکثریت قاطع را نشان می‌دهد.

امنیت شخصی به شدت کاهش یافته است. انتقال از امنیت ملی به امنیت شخصی کاهش قابل توجهی به همراه دارد: در حالی که ۳۷٪ در اکتبر گزارش دادند که احساس امنیت شخصی بالا یا بسیار بالایی دارند، اکنون فقط ۲۸٪ احساس امنیت دارند. ۴۷٪ دیگر می‌گویند حس امنیت شخصی فعلی‌شان «متوسط» است. تنها ۲۸٪ گزارش داده‌اند که امنیت شخصی بالا یا بسیار بالایی دارند، در حالی که ۲۴٪ ادعا می‌کنند امنیت شخصی خود را بسیار پایین یا پایین می‌دانند-که نسبت به اکتبر (۱۹٪) افزایش یافته است. ۶۳٪ گزارش داده‌اند که اعتماد بالایی به سازمان امنیت اسرائیل (شین بت) دارند اما تنها ۳۴٪ اعتماد بالایی به پلیس اسرائیل دارند، در حالی که ۶۵٪ اعتماد پایینی دارند

همچنین اعتماد به طبقه سیاسی، بسیار پایین و بسیار دوقطبی است. تنها ۲۶٪ اعتماد بالایی به دولت اسرائیل دارند، ۳۴٪ به نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو، ۲۹٪ به وزیر دفاع اسرائیل کاتز و ۲۷٪ به وزیر امنیت ملی ایتامار بن‌گویر اعتماد دارند. تقریباً دو سوم- (۶۵٪-۷۱٪) اعتماد کمی به هر چهار نفر گزارش داده‌اند.

اعتماد به دادستان کل عمق قطبی شدن را برجسته می‌کند. تنها ۳۳٪ اعتماد بالایی به دادستان کل گالی بهاراو میارا ابراز می‌کنند، در حالی که ۶۰٪ اعتماد کمی دارند (۴۵٪ «هیچ اعتمادی ندارند»). این ارقام روند نزولی را ادامه می‌دهند: ۴۴٪ در مارس اعتماد بالا و ۳۸٪ در جولای ۲۰۲۵ گزارش دادند.

این کاهش اعتماد عمدتاً ناشی از قطبی شدن سیاسی است: ۶۲٪ از رأی دهندگان مخالف اعتماد بالایی به دادستان کل دارند در حالی که این رقم در میان رأی‌دهندگان ائتلاف تنها ۷٪ است و ۹۱٪ از رأی‌دهندگان ائتلاف اعتماد کمی دارند. اکثریت فکر می‌کنند تصمیمات طبقه سیاسی، بر اساس ملاحظات حرفه‌ای نیست. اکثریت ۵۹٪ با این نظر که تصمیمات سطوح سیاسی در امور امنیت ملی عمدتاً بر اساس ملاحظات حرفه‌ای است نه سیاسی یا شخصی موافق نیستند (۳۰٪ «اصلاً موافق نیستند» و ۲۹٪ «تا حدی مخالف»)، و تنها ۳۷.۵٪ موافق‌اند.

نگرانی‌های اصلی، ایران و وضعیت یهودیه و سامره است؛ سوریه و یمن پایین‌ترین رتبه را دارند. اکثریت (۷۱٪) نگران جبهه ایران هستند و اکثریت (۷۰٪) نیز نگران وضعیت امنیتی یهودیه و سامره هستند. سطح نگرانی درباره غزه و لبنان کمی پایین‌تر است اما همچنان اکثریت را نشان می‌دهد: ۶۱٪ بسیار یا نسبتاً نگران غزه و ۵۹٪ درباره لبنان هستند.

اکثریت (۵۴٪) گزارش داده‌اند که از اجرای توافق آتش‌بس تاکنون ناراضی هستند، در حالی که تنها ۴۰٪ از مردم ادعا می‌کنند که بسیار راضی هستند (تا حد زیادی یا بسیار زیاد). اکثریت با چارچوب دو دولت برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین مخالف‌اند، اما دیدگاه‌ها بسته به جناح سیاسی متفاوت است.

احتمال انزوای بین‌المللی، نگرانی عمده میان رأی دهندگان مخالف و مرکز- چپ است. اکثریت (۶۱.۵٪) گزارش می‌دهند که نسبت به احتمال انزوای بین‌المللی اسرائیل نسبتاً یا بسیار نگران هستند، در حالی که ۳۵٪ چندان نگران نیستند یا اصلاً نگران نیستند. در موضوع تاب‌آوری جامعه اکثریت (۶۵٪) معتقدند که همبستگی در اسرائیل تا حد کمی وجود دارد یا اصلاً وجود ندارد (۱۲٪ می‌گویند «اصلاً وجود ندارد» و ۵۳٪ ادعا می‌کنند که «تا حدی وجود دارد»). تنها ۲۹٪ باور دارند که همبستگی تا حد زیادی یا بسیار زیاد وجود دارد.

چرا روابط پرسود با ونزوئلا خار چشم روزنامه غربگرا شد؟!

روزنامه غربگرای هم‌میهن، با ادعای اینکه چاوزیسم در ونزوئلا به پایان رسیده، نوشت: رفاقت ایران با ونزوئلا بی‌حاصل بوده است!

روزنامه وابسته در گزارشی با عنوان «پایان چاوزیسم در ونزوئلا؟ قصد دیرینه آمریکا برای تغییر رژیم در ونزوئلا در گام‌های پایانی است» می‌نویسد: پس از دهه‌ها شاهد بزرگ‌ترین حضور نظامی آمریکا در دریای کارائیب هستیم. هنوز مشخص نیست گام بعدی چه خواهد بود. بیش از ۲۰ قایق مظنون به حمل موادمخدر هدف حمله نیروهای آمریکایی قرار گرفته‌اند و بیش از ۸۰ نفر کشته شده‌اند.

دولت آمریکا می‌گوید برای مبارزه با کارتل‌های مواد مخدر آمده اما حضور پررنگ نظامی‌اش حاکی از داستان دیگری است. آیا این تلاشی برای سرنگونی دولت مادورو است؟ آیا آمریکا دارد برای یک جنگ آماده می‌شود یا صرفاً برای قدرت‌نمایی آمده است؟ دولت آمریکا تاکنون توضیح واضحی ارائه نکرده است؛ می‌تواند جنگی روانی برای برکناری نیکولاس مادورو باشد یا کمک به ژنرال‌های ونزوئلا برای رسیدن به این هدف.

هم‌میهن همچنین در مطلب دیگری با عنوان رفاقت بی‌حاصل ایران و ونزوئلا نوشت: «بزنگاه بحران، همواره مهم‌ترین محک برای ارزیابی ارزش و اهمیت روابط کشورها با یکدیگر است. با این معیار، روابط ایران و ونزوئلا در ماه‌های اخیر چندان کارآمد از کار درنیامده‌اند. این در حالی است که در دهه‌های گذشته، ونزوئلا از نام‌های پرتکرار در اخبار روابط خارجی ایران بوده است. مرور مواضع نشان می‌دهد، انگیزه اصلی مقامات تهران و کاراکاس برای تأکید بر رابطه‌ای بودند که از دوره هوگو چاوز کلید خورد و تا امروز ادامه یافته است. جمهوری اسلامی ایران البته همواره تقابل با ایالات متحده را از عناصر اصلی سیاست خارجی خود داشته است اما این شکل پیگیری روابط براساس دشمن مشترک، از اواسط دهه هشتاد کلید خورد. این رابطه البته خالی از محتوا هم نبود. لااقل ونزوئلا، استفاده‌های قابل‌توجهی از رابطه‌اش با ایران برد. تهران در عرصه‌های اقتصادی و انرژی کمک‌های مختلفی به کاراکاس کرده است و به‌خصوص در سال‌های اخیر و با تشدید فشارها، تلاش ایران نیز در این زمینه تا حدی جدی‌تر شده است.... ایران و ونزوئلا، عملاً در دو سمت مختلف کره‌زمین قرار دارند. در عرصه‌ای مثل کمک تسلیحاتی یا یاری رساندن در میانه جنگ، این فاصله اهمیت و اثر دارد. هر دو کشور، از بحران‌ها و گرفتاری‌های اقتصادی جدی در عرصه داخلی رنج می‌برند و از این‌رو، سقف چندان بلندی برای کمک اقتصادی به یکدیگر نیز ندارند».

برخلاف فضاسازی روزنامه غربگرا درباره بی‌دستاورد بودن روابط ایران و ونزوئلا باید یادآور شد که آمریکای لاتین و به‌ویژه ونزوئلا فرصت‌های اقتصادی زیادی برای ایران ایجاد کرده است. چنان‌که به گزارش «میدل‌ایست‌آی»، در سال‌های اخیر، همکاری ایران در بخش ساخت مسکن، ساخت کارخانه‌های مختلف مونتاژ خودرو و تراکتور و توسعه کارخانه سیمان در ونزوئلا، موجب گسترش روابط اقتصادی و درآمدزایی برای کشور شده است.

ساخت و صادرات نفتکش ایرانی «افراماکس» به ونزوئلا، افتتاح فروشگاه‌های ایرانی- مانند مگاسی